

## نقد فیلم وال استریت؛ فاشیسم و لانه ی گرگ ها | مقایسه دو فیلم Wall Street



مواردی که در مقاله زیر مورد نقد و تحلیل قرار می دهیم:

- نقد درون مایه فیلم وال استریت اثر اولیور استون
- نگاهی به فیلم گرگ وال استریت اثر مارتین اسکورسیزی
- نسبت جنگ و وال استریت
- رابطه فاشیسم و وال استریت از نظر آنتونی ساتن
- مشاهده تریلر فیلم وال استریت (در انتهای مقاله)
- ثبت کامنت و مشاهده نظر سایر دوستان (در انتهای مقاله)

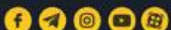


### استودیو کاتشو

#### ارائه خدمات فیلمسازی و تدوین

- ✓ ایده برداری و سناریو تیزر های تبلیغاتی
- ✓ تولید فیلم مستند و فیلم سینمایی کوتاه
- ✓ طراحی و ساخت انیمیشن و موشن گرافیک
- ✓ ساخت موزیک ویدئو ، فیلم مراسم و فرمالیته

کلیک کنید



www.Cutsho.com



## نقد درون مایه فیلم وال استریت اثر اولیور استون

پروفسور آنتونی ساتن (Antony Sutton) مورخ برجسته ی اقتصاد، سه کتاب بسیار مهم با موضوع وال استریت دارد؛ **مارتین اسکورسیزی**، فیلم گرگ وال استریت را در سال 2013 ساخته است. **الیور استون**، فیلمی به نام وال استریت در سال 1987 ساخت. این نوشتار، حاشیه ای است بر این دو فیلم و تاملی بر نظرات آنتونی ساتن درباره ی نقش وال استریت در تاریخ معاصر بشر مخصوصاً در ظهور هیتلر و فاشیسم، جنگ جهانی و تاریخ شوروی.

در فیلم وال استریت، باد فاکس-چارلی شین- در شرکتی اقتصادی کار می کند. فعالیت شرکتی که فاکس در آن کار می کند مربوط به معامله سهام و اوراق بهادار است. پدر فاکس، مردی متواضع، و در اتحادیه هواپیمایی کار می کرده. فاکس اطلاعاتی اقتصادی از کار پدر دارد که به نظر خودش با ارزش است و می تواند او را در بازار وحشی وال استریت بالا بکشد. فاکس، جوان است و جویای نام. وضع مالی خوبی ندارد ولی سخت کوش و جدی است. وال استریت جایی است که اقتصاد حرف اول و آخر را می زند و اگر کسی چون فاکس بتواند ایده هایش را به کلمات اقتصادی ترجمه کند، می تواند برنده شود. سوال احتمالی در چنین جای: پس اخلاق چی؟ تا جایی مهم است که ضرر نیاورد و سود ببخشد: اخلاق وال استریتی یا اخلاق بازاری.

فاکس تلاش دارد از هر طریقی که شده راه صد ساله را، یک شبه طی کند. این طرز فکر، نه فقط در وجود او، بلکه در آدم های که او با آنها در تعامل است، وجود دارد: تصاحب پول در سریع ترین زمان ممکن و نمایش ثروت در اشکال متنوع. فاکس به هیچ وجه نمی خواهد فقیر باشد. «فقر، حسودی ندارد.»



## تحلیل داستان فیلم وال استریت

در این راه، فردی به نام گوردون کگو-مایکل داگلاس- که در وال استریت جایگاه بزرگی دارد، الگوی اوست. کگو، این توانایی را دارد که لشکری را، بیکار یا سرکار بگذارد و ارباب را، یک شبه، نوکر کند. در چنین اوضاع و احوالی، انسانیت: دست و پا گیر است و مشتری ندارد و منبر رفتن اگر برای کسب ثروت باشد، گوش های بسیاری به سمت خود جذب می کند یعنی کسب ثروت در جنگ مباح و بل حلال است.

فاکس پیش خود چنین تصور می کند که برای رسیدن به اهداف رنگارنگ اش، بهتر است به کگو نزدیک شود و رابطه ای را با او جوش بزند: می بینیم که سخت کوشی همیشه کافی نیست، هوش هم لازم است چه در بورس و وال استریت چه برای لبوفروش سر چهارراهی. خلاصه، تلاش و هوش فاکس نهایتاً سبب دوستی بین او و کگو، و شکل گیری رابطه ای مالی در زمینه خرید و فروش سهام می شود. همین امر، از یک طرف، سبب ارتقای زندگی فاکس شده و از سوی دیگر حرص و ولع او را برای بیشتر داشتن برافروخته می کند تا جایی که فاکس می خواهد از استاد و الگوی خود سبقت بگیرد. الیور استون در دنباله فیلم اش، گفته: پول هرگز نمی خوابد. باید افزود که پولداران هم از به خواب رفتن سرمایه شان ناخشنودند بنابراین به افرادی چون فاکس محتاج اند تا در کسب اطلاعات مالی (رانت اطلاعاتی) به او کمک کنند. کسی از ضرر خوشش نمی آید و با بازنده، عکس افتخاری نمی گیرند! خواب،

برای فاکس و در راه رسیدن به هدفش، مانع است. منظور: بعد از مدتی آدمی شبیه کاری می شود که انجام می دهد. روان آدمی چون فاکس و بلفورت به مرور شبیه روان پول می شود: بی قرار و روسپی. آنچه گذشت کلیتی از داستان فیلم الیور استون بود.



### نگاهی به فیلم گرگ وال استریت اثر مارتین اسکورسیزی

فیلم گرگ وال استریت، داستان فردی به اسم جردن بلفورت-لئوناردو دی کاپریو- است. وی ذهنیتی شبیه باد فاکس دارد و هر دو تقریباً درگیر شرایطی هستند که ساختار وال استریت برای آنها تعیین می کند یعنی ارزان به دست آوردن و گران فروختن و بدون دغدغه اخلاق رقبا را از میان به در کردن. بلفورت، دلال اوراق بهاداری است که هر لحظه قیمت آن ممکن است تغییر کند. ضربان قلب بازار- تو بخوان سرمایه- شبانه روز می زند و کسی که بخواهد در محله سرمایه داران-وال استریت- جاه طلبی کند و به مال و منالی برسد لازم است که نبض مغز اش با ضربان قلب بازار تنظیم کند و لاغیر.

بلفورت، شیک پوش و جذاب و پر انرژی است اما بخت با او یار نیست. شغل اش را از دست می دهد اما جدیت او سبب می شود به کمک دوستش، جونا هیل، کاری تازه شروع کند و خود، هدایت ماجراهای جدید مالی در وال استریت را، بر عهده گیرد. بلفورت بخت برگشته با تلاش زیاد در بازار جای برای عرض اندام خود می یابد. او و دوستش، نه فقط به دلالتی سهام، که اطلاعات مهم مالی را هم معامله می کنند. جذابیت مقاومت ناپذیر اسکناس سبب می شود که بلفورت و آدم های ازین قماش- اخلاق و خدا و مذهب را به فراموشی بسپارند در حدی که خانواده- برای بلفورت- به موضوعی حاشیه ای تبدیل می شود و مصرف مواد، کار هر روز او. رفاه بیشتر بی اخلاقی می آورد یا فقر؟ غنی، قدرت فتنه دارد یا فقیر؟ مالک بودن، دل را ناآرام می کند و سودای بیشتر داشتن، آدمی را به پلشتی می کشاند. هشدار: این جمله را ترجمه به قناعت ورزی نکنیم.



### نسبت جنگ و وال استریت

خلاصه: بلفورت در گرگ وال استریت اسکورسیزی تبدیل به گوردون گکو در فیلم وال استریت الیور استون می شود. وال استریتی ها، اعتقادات جالبی دارد از جمله: « پول برای شما زندگی بهتر رو نمایاره ولی می تونی باهاش محکومی از پای چوبه دار پایین بیاری؛ تو بحث تجارت، باید عواطف و احساسات رو بذاری پشت در محل کارت، و بعد وارد بشی همچین: وانمود کن! ادا در بیارا! ادای افراد ثروتمند رو در بیار و از قبل مثل ثروتمندا رفتار کن تا ثروتمند بشی». اینکه سرانجام چنین طرزفکری به کجا می رسد و آیا او نهایتا تبدیل به گرگی در وال استریت می شود یا خیر؟ خواننده بعد از دیدن کل فیلم متوجه خواهد شد. گفتنی است که اثر اسکورسیزی اقتباسی است از یک کتاب که ریشه در واقعیت دارد.

نخی با این مضمون دو فیلم اسکورسیزی و استون را به هم وصل می کند: وال استریت جای آدم های گرگ صفت است و تحقق همزمان رویاهای دلنشین برای اقلیتی و کابوس های وحشتناکی برای اکثریتی.

بدون پله کردن انسان های دیگر در وال استریت تقریبا محال است جیب خود را پر کنید و اگر فاز اخلاق بیاید به زودی تبدیل به یک ورشکسته ی تنها خواهید شد.



### رابطه فاشیسم و وال استریت از نظر آنتونی ساتن

و اما کتب آنتونی ساتن درباره ی وال استریت: برای تاریخ امروز و سیاست زمان حال، چه دلالتی دارند و کجاها می تواند ربط و نسبتی با دو فیلم بالا پیدا کند؟

به زبان ساده و برطبق اسنادی که منتشر شده، حرف اصلی نویسنده در «سه گانه وال استریت» این است: وال استریت، در ظهور هیتلر در آلمان نقشی تعیین کننده داشته و سوخت فاشیسم را تامین کرده است یعنی برای گرگ ها، لانه بوده. علاوه براین، در وقوع جنگ جهانی دوم و جابجایی منابع مالی شوروی به داخل کشور از هیچ کاری دریغ نکرده است. مثلا و به باور ساتن، وال استریت از نفوذ خود در صیلب سرخ استفاده کرده و شرکت های چون جنرال الکترونیک و فورد و جنرال موتورز و بانک های چون چیس و منهتن، از فاجعه ی جهانی، ثروت ها اندوختند و پیاله ها در خلوت به هم زدند. هیتلر و بلشویسم برای جیب و سفره عده ای، نعمت بزرگی در جهان بوده است؛ طرفدار تجارت آزاد و در عین حال حمایت از بلشویسم؟. هرچا سرمایه باشد، وال استریتی ها هستند دیگر آنجا جنگ باشد یا صلح، اهمیتی ظاهرا ندارد. زمانی «کارل مارکس» گفت: سرمایه، هیولا است و همه چیز را می بلعد. اسنادی که آنتونی ساتن منتشر کرده، سرگیجه می آورد. منظور: شاید یک وجدان ملموس بتواند گناه و خلاف آدم های چون بلفورت و گکو و فاکس را ببخشد ولی آن دانه درشت ها چی؟

خواندن این آثار ما را به این درک رهنمون می کند که افسار قرن بیستم در دست سیاستمداران نبوده و آنها بخشی از یک بازی بزرگ مالی بوده اند. دو اثر اسکورسیزی و استون دربرابر سه گانه ی ساتن، قطره ای است در برابر اقیانوسی.

منابعی که در نوشتن به کمک آمده است:

*Wall Street and the Bolshevik Revolution* by Antony Sutton\*

*Wall Street and the Rise of Hitler* by Antony Sutton \*



نویسنده

فرمان رستمی

خدمات فیلمسازی استودیو کاتشو

ساخت تیزر تبلیغاتی

ساخت فیلم صنعتی

ساخت فیلم مستند و فیلم کوتاه سینمایی

طراحی موشن گرافیک و انیمیشن سازی

ساخت فیلم مراسم ، فرمالیته ، موزیک ویدئو و...

خدمات ویدیو مارکتینگ و سوشال مدیا

کاتشو